

ژان ژاک روسو

پل ایچ. فرای

ترجمه

خشایار دیهیمی

فرهنگ نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران - ۱۳۹۸

ژان ژاک روسو^۱ نابغه بود، اما در عین حال از آن آدمهای خوش قریحه نوعی روزگارش هم بود، یعنی در هر کاری دستی داشت: موسیقیدان و اپرانویس خلاق بود که گهگاه ذوق آزمایی می کرد، گیاهشناسی غیر حرفه ای بود، کمدهای اتاق پذیرایی می نوشت، شاعری میانمایه بود، و در دو مورد در تدوین قانون اساسی طرف مشورت قرار گرفت. اما به سبب همه این دستاوردها، حداکثر جایی که می توانست در تاریخ فرهنگ غرب به خود اختصاص دهد یک پاراگراف در باب موسیقی اش و چند پانوشته برای باقی کارهایش بود. اما او، به جز آنچه گفتیم، تخصصهای دیگری هم داشت که تأثیر و نفوذ او را پایدارتر و گسترده تر از هر نویسنده قرن هجدهمی کرد.

میراثی که از بنجامین فرانکلین^۲ به ما رسیده است بسی متنوعتر است اما آن اهمیت بنیادین را ندارد؛ دیوید هیوم^۳ و ایمانوئل کانت^۴ دو جریان اصلی فلسفه مدرن را به وجود آوردند، اما میراث آنان بر تفکر اجتماعی ما تأثیر زیادی نداشته است؛ بینش اخلاقی

1. Jean Jacques Rousseau (1712-1778).

۲. Benjamin Franklin (۱۷۰۶-۱۷۹۰). دانشمند، فیلسوف، و سیاستمدار آمریکایی.

۳. David Hume (۱۷۱۱-۱۷۷۶). فیلسوف انگلیسی.

۴. Immanuel Kant (۱۷۲۴-۱۸۰۴). فیلسوف آلمانی.